

## تحلیل جامعه‌شناختی – کالبدی فضاهای عمومی شهری مطالعه موردی: کلانشهر تهران

علی صمدی – دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران  
سید یعقوب موسوی<sup>۱</sup> – دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
مصطفی ازکیا – استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۳

### چکیده

روند فزاینده شهرنشینی و گسترش فیزیکی آن موجب نابرابری فضایی در توزیع یکسان خدمات و امکانات شهری در سطح شهرها شده است که این امر دسترسی به فضاهای عمومی را با مشکل مواجه کرده است. این در حالی است که دسترسی و استفاده مناسب از فضاهای عمومی شهری متأثر از عوامل بسیاری است، از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تأثیر عوامل کالبدی و عوامل جامعه‌شناختی در استفاده از فضاهای عمومی شهری در بین ساکنین مناطق مختلف شهر تهران می‌باشد. روش تحقیق از لحاظ هدف، توصیفی – تحلیلی و از لحاظ کاربست نتایج و نوع تحقیق کاربردی و از لحاظ روش، روش‌شناسی کمی از نوع روش همبستگی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت پرسشنامه‌ای می‌باشد. جامعه آماری افراد بالای ۱۸ سال شهر تهران در سرشماری سال ۱۳۹۵ و بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۵ نفر و روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای در نظر گرفته شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های T-test و روش ضریب همبستگی و رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین عوامل جامعه‌شناختی و عوامل کالبدی فضاهای عمومی رابطه نسبتاً ضعیفی برقرار است و با توجه به نتایج رگرسیون، عوامل کالبدی بر عوامل جامعه‌شناختی به میزان اهمیتی برابر با ۰/۴۸۷ تأثیر دارد. نتایج حاصل بیانگر این است که عوامل کالبدی تأثیر بسیار کمی بر تقویت عوامل جامعه‌شناختی در بین ساکنین شهر تهران دارد. با گسترش دامنه سایر عوامل بستر مناسب‌تری جهت عوامل و تعاملات اجتماعی فراهم می‌شود.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناختی، عوامل کالبدی، فضاهای عمومی، کلانشهر تهران

## مقدمه

فضاهای عمومی شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نیستند و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت او معنا می‌یابند (Changizi & Ahmadian, 2013:54). یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها در زندگی جمعی و بنا به اقتضای خصلت مدنی بالطبع وی، تعاملات اجتماعی می‌باشد (شفاعت و حسین‌پور، ۱۳۹۸: ۱۰۲) پدیده تعاملات اجتماعی برای بروز عینی، نیازمند عرصه‌ای خاص است. با توجه به این‌که سه شاخص اصلی برای تشخیص فضاهای شهری در عرصه عمومی شهر: عمومی بودن فضا، باز بودن آن به روی همه و برقرار تعاملات اجتماعی در فضا (Toraby & sima, 2013:85) می‌باشد می‌توان اذعان کرد که فضاهای عمومی بستر تعاملات اجتماعی در شهر را فراهم می‌سازند. همچنین، فضای عمومی شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می‌شود و شکل‌دهنده رفتار و زندگی اجتماعی افراد است (Kurniawati, 2012). از طرفی دیگر عوامل اجتماعی و جامعه‌شناختی نیز بر کالبد و سیما و نحوه طراحی شهر تأثیرگذار هستند. از مصداق‌های تغییر در نحوه ارتباطات اجتماعی در ارتباط با کالبد شهر می‌توان به تغییر در ارزش‌ها از درون‌گرایی به برون‌گرایی (فضای درون‌گرای بازار به مراکز تجاری تجملاتی برون‌گرا مبدل گشته)، تغییر در اعتقادات، تغییر در آداب و رسوم، تغییر در جهان‌بینی و غیره اشاره کرد (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۳۲). میزان استفاده از فضاهای عمومی شهری و اثرات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن در سلامتی اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای توسعه پایدار شهری در میان شهروندان از اهمیت زیادی برخوردار است. از این‌رو تولید، توزیع، دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی شهری و تأثیرات آن به موضوعی مهم در جامعه‌شناسی شهری تبدیل شده است (صمدی، ۱۳۹۷: ۲۰۳). از طرفی دیگر، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی، مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود (دانشپور، ۱۳۸۶: ۲۴). این در حالی است که امروزه عرصه‌های عمومی غالباً پاسخگوی نیاز انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی نیستند و مردم تنها به فضاهای شهری به‌عنوان مسیری برای گذر می‌نگرند، درواقع این فضاها به‌جای آنکه مردم را به مکث، حضور و برقراری مرادوات اجتماعی دعوت کنند، آن‌ها را به فرار تشویق می‌کنند (عبدالله‌زاده فرد، ۱۳۹۵: ۲۲۶). یکی از دلایل این امر وجود عوامل کالبدی از نظر نابرابری‌ها در توزیع و پراکنش فضایی این‌گونه فضاها در سطح شهرها و مناطق می‌باشد. منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی در فضاست (یاسوری، ۱۳۸۹: ۱۴۴). نابرابری فضایی را اساساً حاصل دسترسی متفاوت ساکنین نواحی شهر به منابع ارزشمند اجتماعی چون ثروت مادی، قدرت، منزلت و سرمایه فرهنگی می‌شمارند (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۸۹: ۱۷۷). ظهور و گسترش نابرابری فضایی و همراه با آن جدایی‌گزینی مکانی استفاده از فضاهای عمومی توسط شهروندان را محدود کرده است. این نابرابری و عدم تعادل فضایی در میان ساکنان نواحی مختلف یک شهر پدیده‌ای جدید در هیچ‌یک از کشورهای جهان نیست، اما در کشورهای درحال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی، نابرابری فضایی شهرها تشدید شده است (عبدی دانشور، ۲۰۰۲: ۱). در این میان شهر تهران از جمله کلان‌شهرهایی است که در سال‌های اخیر نابرابری در استفاده از فضاهای عمومی شهری را تجربه کرده است. کلان‌شهری مانند تهران از لحاظ کالبدی دارای نواحی و مناطق متفاوت و گوناگون است، به این دلیل، افزایش فاصله اجتماعی و اقتصادی و توزیع نابرابر امکانات و خدمات آن را به شهری ناهمگن در محیط اجتماعی تبدیل کرده است (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲) و از این‌رو جامعه شهری در این شهر عمیقاً قطب‌بندی شده است (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۱۶۱). می‌توان گفت بخشی از نابرابری در استفاده از فضاهای عمومی شهری در بین ساکنین مناطق مختلف شهر تهران متأثر از متغیرهای جامعه‌شناختی همچون سرزندگی، تنوع و سازگاری و بخش دیگر ناشی از متغیرهای کالبدی همچون تجهیزات، خدمات و امکانات شهری در فضاهای عمومی است.

بنابراین به نظر می‌رسد که تحلیل فضاهای عمومی از نظر تأثیر عوامل اجتماعی بر کالبدی به‌عنوان مسئله‌ای قابل طرح نیازمند به تبیین می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش در صدد بررسی گرایش و میزان استفاده ساکنین شهر تهران از انواع فضاهای عمومی، تأثیر عوامل کالبدی مؤثر در نحوه و میزان استفاده از فضاهای عمومی در میان ساکنین مناطق مختلف و عوامل جامعه‌شناختی میان آن‌ها می‌باشد و در این راستا پرسش اصلی مقاله چنین تنظیم می‌شود: عوامل کالبدی به چه میزان بر عوامل جامعه‌شناختی در استفاده از فضاهای عمومی تأثیرگذار هستند؟ مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه فضاهای عمومی بسیار است، اما پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مشترک فضاهای عمومی از نظر جامعه‌شناختی و کالبدی محدود است. در زیر به مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع حاضر اشاره می‌شود:

کیانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی و تحلیل فضای عمومی شهری در نواحی ۱ و ۲ شهر زابل با استفاده از مدل استنتاج منطقی فازی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری بین ابعاد انسانی و کالبدی فضای عمومی در ناحیه‌های موردبررسی وجود ندارد. همچنین شاخص کلی فضای عمومی نیز فقط با بعد انسانی توسعه دارای رابطه معنی‌داری است و با بعد کالبدی آن‌هم خوانی و ارتباط معنی‌داری ندارد. گلچین و مفاخری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی خوانایی محیطی و حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهر تهران با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل خوشه‌ای کلاستر پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داده است که بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی در شهر تهران با میزان حضور شهروندان در فضای عمومی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین یافته‌های پژوهش، تفاوت معناداری را در بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر شاخص‌های خوانایی محیطی از جمله تراکم جمعیتی، وقوع جرم و بزهکاری و احساس ناامنی نشان می‌دهد، به طوری که بر اساس این شاخص‌ها، مناطق ۱، ۳ و ۲۲ وضعیت مطلوب‌تر و مناطق ۷، ۸ و ۱۶ وضعیت نامطلوب‌تری را دارند. مدیری و ادهمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به تبیین نقش فضاهای عمومی در ارتباط با سرمایه اجتماعی در شهر آمل از طریق آزمون رگرسیون در روش چندجمله‌ای در نرم‌افزارهای Spss و Matlab پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ابعاد کالبدی (فضا) و اجتماعی (فعالیت) در فضاهای عمومی مؤثر بر ابعاد سرمایه اجتماعی یعنی هنجار و شبکه اجتماعی است. ضمن آنکه جمیع شاخص‌های مربوط به مطلوبیت فضای عمومی با سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت ۳/۶۵ درصد برقرار کرده است. بنابراین بهبود در شرایط کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی به اثرگذاری مثبت بر روی سرمایه اجتماعی در سطح جوامع محله‌ای می‌انجامد. رهنما و حسینیان (۱۳۹۴) در پژوهشی به تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر احساس امنیت در فضاهای عمومی محله آبکوه شهر مشهد با استفاده از روش‌های آزمون خی - دو پیرسون و اسپیرمن پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که احساس امنیت بالاترین درجه همبستگی معکوس به ترتیب با متغیرهای نزدیکی تقاطع‌ها، عقب‌نشینی‌ها و جلوآمدگی در بافت و عرض کم محور رابطه معناداری دارد. لذا می‌توان با اقدامات کالبدی، در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، احساس امنیت را به مناطقی که روزگاری بخش مهمی از هویت شهرها را تشکیل می‌داده‌اند، بازگرداند. محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی فضاهای عمومی شهر لار در تحقق تعاملات اجتماعی بافت تاریخی آن از طریق آزمون تی تک نمونه‌ای پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که تعاملات اجتماعی فضاهای نمونه موردی، پایین‌تر از میانگین نظری است. از سویی، برای مطالعه دقیق‌تر، فضاهای عمومی سی و چهارگانه شهر قدیم لار، به هفت دسته کارکردی بخش‌بندی و میزان بهره‌مندی آن‌ها از اجتماعی‌پذیری، بررسی شدند. نتایج، بیانگر آن است که فضاهایی با کارکرد خیابان، از بالاترین و پاتوق‌های محله‌ای، از پایین‌ترین سطح روابط اجتماعی برخوردار هستند. همچنین چهار متغیر: فعالیت گروه‌ها، همگانی بودن، مشارکتی بودن و دیدارگاه بودن، به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط اجتماعی، شناسایی شدند.

معمار، ثریا (۱۳۹۰)، در پژوهش خود به تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای در محلات شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که ایجاد فضاهای عمومی به‌عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی یک درخواست مبرم است. که پس از آن سایر نیازها همچون امکانات و تسهیلات رفاهی، اقدامات زیربنایی، بهداشت و سلامتی، مشارکت در محله و ... قرار دارند. همبلتون (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین فضاهای عمومی و سرمایه اجتماعی در ۸ محله زاغه‌نشین سانتیاگو شیلی بر اساس نظریات جیکوبز و وایت پرداخته است. نتایج نشان داده است که افزایش استفاده از فضاهای عمومی نظیر میدان، زمین فوتبال و کتابخانه، اثر مثبت بر سرمایه اجتماعی و بالأخص اعتماد بین شخصی، شبکه‌ها و مشارکت داشته است.

با توجه به اینکه عوامل اجتماعی و جامعه‌شناختی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده کالبد شهرها است. از این رو بررسی و مطالعه این عوامل ضروری است. عمده مطالعات صورت گرفته در راستای فضاهای عمومی شهر در حوزه‌های امنیت، شهرسازی و ... بوده است. پژوهش حاضر نیز سعی دارد تأثیر عوامل اجتماعی و عوامل کالبدی در فضاهای عمومی در شهر تهران را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

### مبانی نظری

فضای شهری به ترکیبی اطلاق می‌شود که از فعالیت‌ها، بناهای مختلف فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اداری، تجاری و مانند آن و عناصر و اجزای شهری به صورتی آراسته، هماهنگ و واجد نظم و زیبایی و بالطبع بارزهای بصری تشکیل می‌گردد و از نظر فیزیکی دارای بدنه‌ای محصورکننده می‌باشد (عبدالله‌زاده فرد، ۱۳۹۵: ۲۳۰). در این میان فضای عمومی یک محل یا مکان باز و قابل دسترس بهبود الگوهای رفتاری مناسب می‌باشد (مردمی و قمری، ۱۳۹۰: ۴۰). فضای عمومی شهری، جامعه را و جامعه نیز فضاهای عمومی شهری را شکل می‌دهد (کرمونا، ۱۳۹۴: ۵۷). مفهوم فضای عمومی که امروزه به کار گرفته می‌شود ریشه در مفاهیم مدرن که از قرن ۱۸ ظهور پیدا کرده‌اند دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان شهرسازی معتقدند که فضاهای عمومی شهری به‌عنوان یکی از اجزای اصلی، نقش بااهمیتی در شهر سالم دارند. این عقیده فراتر از نقش کارکردی فضاهای عمومی است و معطوف به زمانی است که این فضاها، سرمایه اجتماعی را در زمانی که تعاملات اجتماعی زیادی در این مکان‌ها به وقوع می‌پیوندند، افزایش می‌دهند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۸). از نظر لینچ فضای عمومی، فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند (لینچ، ۱۹۷۲: ۱۰۹). هاروی فرآیندهای اجتماعی و اشکال فضایی را واقعیات لاینفک از یکدیگر می‌داند که فقط به لحاظ تحلیلی می‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد. به نظر وی هرگونه نظریه عام در مورد شهر باید بتواند تا فرآیندهای اجتماعی شهر را به شکل فضایی شهر ربط دهد (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۸۵). از نظر مدنی پور، فضای شهری را می‌بایست در بستری اجتماعی - مکانی یعنی فضای فیزیکی با معانی اجتماعی و روان‌شناختی‌اش ببینیم (مدنی پور، ۱۳۹۰: ۳۳۰). مطابق با نظریات کارمونا فضاهای عمومی زمانی می‌توانند به‌خوبی پاسخگوی نیازهای مردم باشند که آنالیزهای اجتماعی در جهت تکمیل فرآیند طراحی آن‌ها انجام شده باشد (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۵: ۸۲). وی فضای عمومی را حاوی دو بعد کالبدی و اجتماعی (فعالیت) معرفی کرده است (مدیری و ادهمی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). بعد کالبدی فضای عمومی این‌گونه در نظر گرفته می‌شود: فضاها و مجموعه‌هایی با مالکیت عمومی یا خصوصی که زندگی عمومی و تعاملات اجتماعی را حمایت کرده و یا آن را تسهیل می‌نمایند. به‌واسطه فعالیت‌ها و اتفاقاتی که در این فضاها و مجموعه‌ها رخ می‌دهد، می‌توان آن‌ها را عرصه‌های عمومی اجتماعی - فرهنگی نامید (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷۵). بعد اجتماعی به این‌که مردم چگونه از فضا استفاده می‌کنند برمی‌گردد، رابطه بین

فضا و بستر اجتماعی آن به صورت یک فرآیند دوطرفه است که در آن مردم و جوامع فضاها را به وجود آورده و تغییر می‌دهند. در حالی که این مردم خود به طرق مختلف تحت تأثیر این فضاها قرار دارند. ورث نیز شهر را عرصه کالبدی روابط اجتماعی می‌داند. به زعم وی کاهش همبستگی اجتماعی در شهر و در میان شهرنشینان، حکایت از چگونگی توسعه روابط اجتماعی در دوره جدید دارد (Ahmadi et al, 2009: 68). با توجه به مباحث مذکور می‌توان گفت، عوامل جامعه‌شناختی و روابط اجتماعی در کامل‌ترین وجه، خود را در فضاهای شهری نشان می‌دهند و این نوع عوامل علاوه بر تأثیر پذیرفتن از فضا و عوامل کالبدی بر آن تأثیر نیز می‌گذارند. بنابراین می‌توان گفت رابطه بین عوامل اجتماعی و کالبدی در فضاهای عمومی شهری رابطه‌ای دوسویه و مستقیم است. بنابراین لازم است فضاهای عمومی از قابلیت‌های اجرای فعالیت‌های متنوع برخوردار باشد، دارای کاربری‌های متنوع، مختلط بوده و تعاملات اجتماعی را به وجود آورند و دربرگیرنده معیارهایی همچون خوانایی (ادراک بصری و فضایی)، مقیاس انسانی، امنیت، انسان‌مداری و دارای تأسیسات و تجهیزات شهری متناسب با عملکرد فضا بوده و در نهایت از قوانین و هنجارهای رایج و موجود در جامعه تأثیر پذیرد (پرتوی، ۱۳۹۱: ۱۰). با توجه به جمیع مطالب می‌توان گفت آنچه فضاهای عمومی را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، درجه اول عوامل کالبدی است که بتواند زمینه‌ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا باشد. یکی از صفات اصلی و مناسب در این زمینه قابل دسترس بودن آن است (گلچین و مفاخری، ۱۳۹۶: ۳۰). از دیگر عوامل کالبدی می‌توان به تأسیسات و تجهیزات و خدمات شهری، یکپارچگی سیما و منظر، سازمان فضایی مناسب، نفوذپذیری و ... اشاره کرد. این عوامل می‌توانند به عنوان بستر و زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی باشند. از این رو پیش‌بینی و خلق فضاهای عمومی درخور و مناسب با در نظر گرفتن شرایط و فرهنگ هر جامعه از موضوعات مهم در این زمینه است.

علی‌رغم تنوع مباحث نظری در مورد فضاهای عمومی، می‌توان این مبحث را از دو نگاه کلی بررسی کرد:

الف- فضای عمومی فاقد معنا: در چارچوب این دیدگاه ریچارد (سنت، ۱۹۹۲) معتقد است که در شهر مدرن، عرصه عمومی به مثابه یک ایده آل اجتماعی و سیاسی قدرتمند به شدت ارزش و اهمیت خود را از دست داده است. به نظر وی، در شهر مدرن معاصر انسان‌ها دیگر دارای منافع مشترک نیستند. ناامیدی او ناشی از پیروزی فردگرایی مدرن است. فضای عمومی به فضای خالی تبدیل شده و از دید مردم مدرن، فضای عمومی فاقد معنا شده است. به اعتقاد سنت طراحی شهر مدرن به گونه‌ای است که دیگر ظرفیتی برای حمایت از فرهنگ جمعی ندارد. در چارچوب این دیدگاه، مدرنیسم باعث مرگ فضاهای عمومی در شهر شده، لذا فضای عمومی مثل خیابان، میدان یا پارک به فضایی تبدیل شده برای عبور از آن و نه برای بودن در آن.

ب- فضای عمومی کارآمد: به اعتقاد برخی دیگر از محققان شهری نظیر (شرون زوکین، ۱۹۹۵) فضای عمومی بیانگر تضاد نظام سرمایه‌داری با حقوق جمعی شهروندی است. ایشان بر تداوم اهمیت فضاهای عمومی به عنوان فضایی که در آن هر گروهی می‌تواند به رؤیت پذیری اجتماعی دست یابد و تقاضاهای خود را مطرح سازد، اصرار دارند (شارع‌پور، ۱۳۹۵: ۵۳). همچنین صاحب‌نظران بسیاری فضاهای عمومی را با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی و جامعه‌شناسی در شهر بررسی کرده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها در قالب جدول ۱ اشاره می‌شود.

جدول شماره ۱. صاحب‌نظران با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی فضاهای عمومی

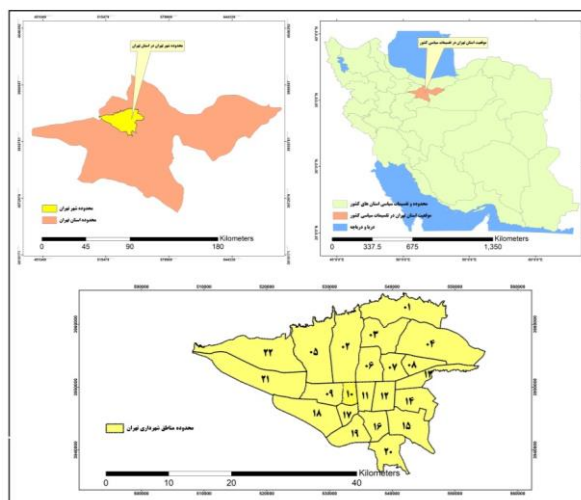
نظریه‌پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
حنا آرنه	۱۹۵۸	شرایط انسانی	قلمرو عمومی عامل برون‌گرا و زندگی سیاسی و عمومی
پاول زوکر	۱۹۵۹	شهر و میدان	میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفاً محل تجمعی از افراد
جین جیکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	پیاده‌روها عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی
ویلیام وایت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تأکید بر نقش اجتماعی فضاهای شهری

یان گل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمان‌ها	سه گروه فعالیت در فضای شهری؛ ضروری، انتخابی، اجتماعی
اولدنبگ	۱۹۸۹	مکان خوب؛ کافه‌ها؛ کافی‌شاپ‌ها و دیگر پاتوق‌ها	تأکید بر عرصه‌های عمومی شهر به‌عنوان مکان سوم (خانه و محل کار؛ مکان اول و دوم)
کلر کوپر مارکوس	۱۹۹۰	مکان‌های عمومی	ارزیابی محیط سکونت و معرفی فضاهای شهری هفتگانه

منبع: (کاشانی جو، ۱۳۸۹: ۱۰۰)

## محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه شهر تهران به‌عنوان پایتخت ایران، و مرکز استان تهران می‌باشد. شهر تهران با مساحت ۷۳۰ کیلومترمربع از نظر موقعیت جغرافیایی در حدفاصل ۵۱ درجه و ۳ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی (به طول تقریبی ۵۰ کیلومتر) و ۳۵ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی (به عرض تقریبی ۳۰ کیلومتر) گسترده شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۳۹۶). این شهر از شمال به سلسله جبال البرز، از شرق به لواسانات، از غرب به کرج و از جنوب به ورامین محدود شده است. شهر تهران پرجمعیت‌ترین شهر و پایتخت ایران و مرکز استان و شهرستان تهران است. با جمعیتی برابر با ۸۶۹۳۷۰۶ نفر پانزدهمین شهر پرجمعیت جهان و بیست و هشتمین شهر بزرگ دنیا از نظر جمعیت و از نظر مساحت صدوبیست و پنجمین کلان‌شهر دنیا و پرجمعیت‌ترین شهر باختر آسیا به شمار می‌رود. این کلان‌شهر دومین کلان‌شهر پرجمعیت خاورمیانه است. شهر تهران از نظر تقسیمات اداری به ۲۲ منطقه و ۱۲۳ ناحیه و ۳۷۴ محله تقسیم می‌شود. (آمارنامه شهرداری تهران، ۱۳۹۴). در بین مناطق شهر تهران، بیشترین مساحت به مناطق ۴، ۲۲ و ۱ و کمترین مساحت به مناطق ۱۷، ۱۰ و ۱۳ تعلق دارد.



شکل شماره ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

## روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ کاربست نتایج، از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در بخش چارچوب نظری مفاهیم و متغیرها، استفاده از اسناد و تحقیقات صورت گرفته و در بخش تحلیل اطلاعات، استفاده از نگرش و نظرات شهروندان در قالب پرسشنامه و به‌صورت میدانی می‌باشد. بدین شکل که با استفاده از روش اسنادی به بررسی و تعیین متغیرها و شاخص‌های پژوهش پرداخته‌شده، سپس با استفاده از روش میدانی گردآوری داده‌ها صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر، افراد بالای ۱۸ سال مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۵ و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۸۵ نفر می‌باشد. جهت تعیین نمونه آماری به تفکیک مناطق ۲۲ گانه

شهر تهران، از نوع شیوه نمونه‌گیری احتمالی و از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. در این پژوهش واحد تحلیل اولیه جمعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. لیکن برای نمونه‌گیری خوشه‌ای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با توجه به تشابهات جامعه‌شناختی و اقتصادی مناطق، نواحی و محلات شهر تهران از حوزه جغرافیایی شمالی منطقه ۱، از حوزه جنوبی منطقه ۲۰، از حوزه غربی منطقه ۵، از حوزه شرقی منطقه ۴ و از حوزه مرکزی منطقه ۱۲ شهرداری تهران به عنوان ۵ منطقه مورد پژوهش انتخاب گردید. انتخاب ۵ منطقه مورد نظر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای و با استناد به کتاب کوثری و همکاران در سال ۱۳۸۶ صورت گرفته است. در پژوهش حاضر برای مشخص کردن پایایی پژوهش حاضر، پرسشنامه اولیه بین تعدادی از افراد جامعه آماری جهت تعیین معایب شکلی و محتوایی گویه‌ها توزیع گردید، سپس آلفای کرونباخ محاسبه گردید. با توجه به نظرات پاسخگویان میزان آلفای کرونباخ تمامی شاخص‌ها به ۰/۸۹۹ رسید که بیانگر پایایی بالای سؤالات پرسشنامه می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. در راستای تشریح آمار و آزمون‌های استنباطی و به منظور پاسخگویی به سؤال تحقیق از آزمون T-test برای سنجش میزان مطلوبیت شاخص‌ها استفاده شد. با توجه به این که هدف پژوهش بررسی میزان تأثیرپذیری متغیرها بر یکدیگر است از آزمون پیرسون و جداول رگرسیون خطی استفاده شد. در جدول ۲ به شاخص‌های جامعه‌شناختی و کالبدی استفاده از فضاهای عمومی اشاره می‌گردد

جدول شماره ۲. شاخص‌های جامعه‌شناختی و کالبدی پژوهش

ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها
جامعه‌شناختی	پویایی و سرزندگی	حضور افراد جهت برقراری تعامل اجتماعی، مشارکت و مشورت استفاده‌کنندگان
	تندرستی و شادابی فضای عمومی	سلامتی جسمی و روحی، امکان اختلاط اجتماعی، انعطاف‌پذیری، الگوهای رفتاری
کالبدی	تنوع و سازگاری	تنوع کاربری و کارکردی فضاهای عمومی شهری، تنوع و غنای فعالیت‌ها، سازگاری با نیاز گروه‌های سنی، جنسی، قومی و ... مختلف
	اعتماد اجتماعی	ادراکات ایمنی و احساس امنیت، امکان نظارت و مراقبت، ایجاد اعتماد و تعهد اجتماعی، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی
کالبدی	تعلق اجتماعی	حس هویت شامل وحدت، شخصیت، جذابیت، حفظ هویت محلی و بومی، توجه به پیوندهای بومی - منطقه‌ای، حس تعلق مکانی، ایجاد تجربه‌ها و خاطره‌های به‌یادماندنی
	دسترسی	تأمین حرکت و تسهیل دسترسی پیاده و سواره (ارتباط‌پذیری)، دسترسی به خدمات شهری، ارتباط با سیستم حمل‌ونقل عمومی، رعایت سلسله‌مراتب شهری، دسترسی به فضاهای هم‌جوار، امکان پیاده‌روی و نشستن و قدم و زدن، ایجاد مراکز تفریح مناسب، وجود پارکینگ‌های عمومی و اختصاصی، تنوع در کاربری‌ها و فعالیت‌ها چون فضای سبز، کاربری‌های فرهنگی - هنری و ... وسایل و امکانات بهداشتی و رفاهی
کالبدی	فضاهای کانونی	وجود مکان‌های سرگرمی، تفریح و ... در دسترس بودن و قرارگیری در مسیرهای روزمره، وجود فضای سبز مناسب
	فعالیت‌های جاذب	قرارگیری فضاهای عمومی در مسیرهای پر رفت و آمد، همه‌شمول بودن فضاهای جاذب، وجود فضاهای شاخص و مهم، تنوع فعالیت‌ها در فضاهای عمومی
کالبدی	جذابیت و زیبایی	تنوع در کیفیت زیبایی فضاها، استفاده از رنگ‌ها در زیباسازی فضاها، خوانایی عناصر شهری، محصوریت فضاها
	نظافت و پاکیزگی	تقلیل آلودگی‌ها (دود، صوتی، ...)، رعایت بهداشت در فضاها،
کالبدی	تداوم و خوانایی	تصویر روشن از فضاها در ذهن استفاده‌کنندگان، وجود عناصر راهنما در فضاها، جود تناسب بصری، قرارگیری در استخوان‌بندی و شاکله اصلی شهر، توجه به مقیاس انسانی
	میلمان مناسب	تناسب میلمان شهری با شرایط سنی و جنسی، نماسازی زیبا و جذاب در فضاها، چیدمان مناسب میلمان شهری، سنگفرش‌های مناسب در فضاها، توجه به نیازهای گروه‌های خاص همچون معلولین
کالبدی	امنیت و ایمنی	امنیت در کاربری‌های شبانه، اصول طراحی برای معلولان، بررسی ایمنی معابر در فضاها

## بحث و یافته‌ها

داده‌های آماری در زمینه متغیرهای زمینه‌ای و مستقل نشان می‌دهد که از مجموع نمونه آماری (۳۸۵) تعداد ۲۳۲ نفر یعنی ۶۰/۵ درصد را مردان و ۳۹/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین گروه سنی پاسخگویان با ۳۹/۳ درصد در گروه سنی ۴۱-۶۰ ساله‌ها قرار دارند. ۲۳/۷ درصد از پاسخگویان مجرد، ۶۶/۵ درصد از آن‌ها را متأهلین، بیشترین شغل پاسخگویان با ۲۵/۲ درصد را مشاغل آزاد و کارمندان دولتی با ۱۷/۷ درصد در مرتبه بعدی و کارمندان بخش خصوصی با ۱۷/۴ درصد در رتبه سوم قرار دارند. از نظر تحصیلات ۴۰/۱ درصد از پاسخگویان دیپلم و فوق‌دیپلم و ۲۷/۳ درصد از آن‌ها دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند. ۳۹/۸ درصد از پاسخگویان درآمد خود را بین ۲ تا ۳/۵ میلیون تومان در ماه اعلام کرده‌اند. تنها ۱۷/۴ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که در خارج از تهران فضا و مکانی به‌عنوان ویلا یا محل تفریحی و سرگرمی و گذران اوقات فراغت دارند.

نتایج سنجش متغیرهای کالبدی و اجتماعی از طریق محاسبه جمع نمرات مؤلفه‌های مربوطه در پرسشنامه حاصل شده است. نمره همه شاخص‌های موردبررسی در جدول زیر نشان داده شده است. همان‌طور که از نمره شاخص‌های موردبررسی در جدول زیر مشخص است بیشترین نمره به وضعیت متوسط در تمام شاخص‌ها تعلق دارد.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی سنجش شاخص‌های اجتماعی در شهر تهران

متغیرها	پویایی و سرزندگی		تنوع و سازگاری		اعتماد اجتماعی		تعلق اجتماعی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بسیار زیاد	۱۰	۲/۵۹	۲۳	۵/۹۷	۱۳	۳/۳۷	۲۹	۷/۵۳
زیاد	۵۶	۱۴/۰۲	۴۵	۱۱/۶۸	۳۲	۸/۳۱	۳۸	۹/۸۷
متوسط	۲۰۱	۵۸/۷۰	۲۰۴	۵۲/۹۸	۱۹۷	۵۱/۱۶	۲۳۸	۶۱/۸۱
کم	۵۳	۱۳/۷۶	۶۱	۱۵/۸۴	۹۸	۲۵/۴۵	۴۵	۱۱/۶۸
بسیار کم	۴۳	۱۰/۹۰	۵۲	۱۳/۵۰	۴۵	۱۱/۶۸	۳۵	۹/۰۹
جمع کل	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی سنجش شاخص‌های کالبدی در شهر تهران

متغیرها	فراوانی				
	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
دسترسی	۵۹	۶۵	۲۰۸	۳۱	۲۲
فضاهای کانونی	۵۱	۶۱	۲۱۵	۳۵	۲۳
فعالیت‌های جاذب	۲۱	۳۷	۲۶۲	۳۷	۲۸
جذابیت و زیبایی	۱۵	۳۱	۲۷۹	۳۴	۲۶
نظافت و پاکیزگی	۱۵	۳۲	۲۶۲	۴۳	۳۳
تداوم و خوانایی	۳۱	۳۵	۲۷۹	۲۱	۱۹
میلان مناسب	۳۱	۴۲	۲۶۷	۲۴	۲۱
امنیت و ایمنی	۲۵	۳۶	۲۵۶	۴۱	۲۷

به‌منظور نشان دادن مطلوبیت شاخص‌های کالبدی و جامعه‌شناختی فضاهای عمومی شهر تهران از آزمون T-Test استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر نشان داده شده است. نتایج این آزمون نشان داده است وضعیت فضاهای عمومی از لحاظ کالبدی از میزان مطلوبیت متوسط و وضعیت جامعه‌شناختی فضاها از میزان مطلوبیت کم برخوردارند.



جدول شماره ۵. نتایج آزمون T-Test در خصوص مطلوبیت شاخص‌های پژوهش

متغیرها	ضریب t	درجه آزادی	میزان خطا (Sig)	تفاوت میانگین	سطح معناداری ۹۵٪		ارزش	میزان مطلوبیت
					حداقل	حداکثر		
کالبدی	۰/۳۳۱	۳۹۹	۰/۷۴۱	۰/۴۲۷	-۲/۱۱	۲/۹۷	۱۳۳	متوسط
جامعه‌شناختی	۱۴/۱۶	۳۹۹	۰/۰۰۰	۶/۶۰	۵/۶۹	۷/۵۲	۶۱	کم

تحلیل همبستگی پیرسون بین شاخص‌ها: به منظور بررسی رابطه شاخص‌های کالبدی و جامعه‌شناختی از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به جدول زیر میزان p-value بین شاخص‌های مورد بررسی کمتر از ۰/۰۵ بوده، در این میان شدت وابستگی بین متغیرهای جامعه‌شناختی به کالبدی کمتر از میزان شدت وابستگی شاخص‌های کالبدی به جامعه‌شناختی می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که عوامل جامعه‌شناختی از عوامل کالبدی تأثیرپذیری از شدت نسبتاً ضعیفی برخوردارند.

جدول شماره ۶. ضریب همبستگی پیرسون

شاخص‌ها	شاخص‌ها	ضریب همبستگی	سطح اطمینان	سطح معناداری	رابطه
جامعه‌شناختی	پویایی و سرزندگی	۰/۵۱۲	۰/۹۹	۰/۱	وجود رابطه
	تنوع و سازگاری	۰/۵۱۷	۰/۹۵	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	اعتماد اجتماعی	۰/۴۳۲	۰/۹۹	۰/۱	وجود رابطه
	تعلق اجتماعی	۰/۴۹۸	۰/۹۵	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	دسترسی	۰/۸۱۲	۰/۹۵	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	فضاهای کانونی	۰/۶۷۲	۰/۹۵	۰/۱	وجود رابطه
کالبدی	فعالیت‌های جاذب	۰/۷۴۸	۰/۹۹	۰/۱	وجود رابطه
	جذابیت و زیبایی	۰/۵۲۵	۰/۹۹	۰/۱	وجود رابطه
	نظافت و پاکیزگی	۰/۷۵۰	۰/۹۵	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	تداوم و خوانایی	۰/۶۰۱	۰/۹۹	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	میلان مناسب	۰/۷۶۰	۰/۹۹	۰/۱	وجود رابطه
	امنیت و ایمنی	۰/۶۱۹	۰/۹۹	۰/۰۰۰	وجود رابطه

در این قسمت با ترکیب عوامل کالبدی و جامعه‌شناختی تلاش می‌شود تا میزان اثرگذاری عوامل کالبدی و عوامل جامعه‌شناختی سنجیده شود. در این راستا متغیر مستقل عوامل کالبدی و متغیر وابسته نیز عوامل جامعه‌شناختی در نظر گرفته شده است. در رگرسیون متغیر مستقل عوامل کالبدی و متغیر وابسته عوامل جامعه‌شناختی (که حاصل compute کردن گویه‌های دو متغیر است) می‌باشد. همان‌گونه که در جدل شماره ۷ مشخص است مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۴۲۱ است حاکی از توانایی کم متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می‌باشد. یعنی متغیر مستقل ۴۲ درصد از تغییرات وابسته را تبیین می‌کند و مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا معروف است، تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشند. همچنین مقدار دوربین واتسون برابر ۱/۲۳ است که حاکی از مستقل بودن باقی‌مانده‌ها از هم است.

جدول شماره ۷. مقدار ضریب همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده، و دوربین واتسون

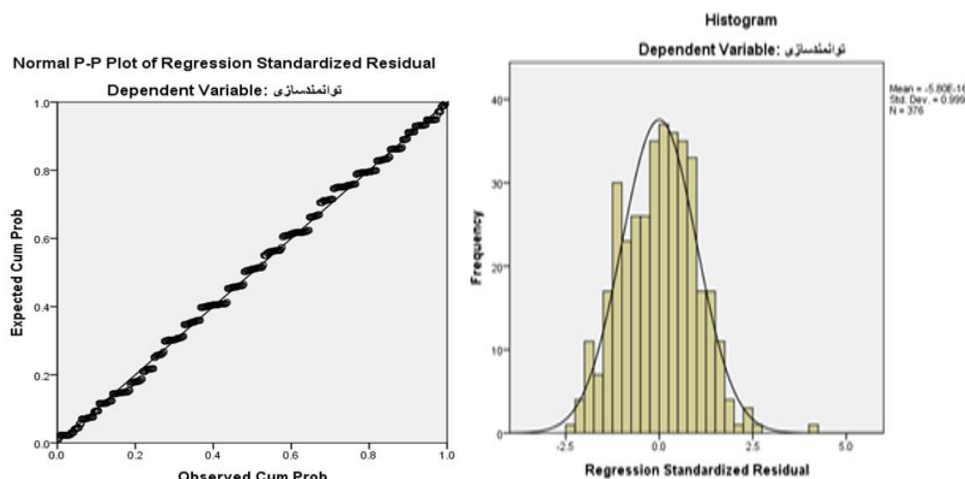
مقدار همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین واتسون
۰/۴۳۲	۰/۴۸۹	۰/۴۲۱	۷/۴۳۱	۱/۲۳۴

همان‌گونه که در جدول ۸ مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با ۲۵/۲۹ و مقدار باقی‌مانده برابر است با ۱۹/۷۹ و چون مقدار مجزورات باقی‌مانده کوچک‌تر از مجموع مجزورات رگرسیون است، نشان‌دهنده قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر است با ۴۸/۷ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰/۰۰۰ است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ و معنادار است و متغیر مستقل قادر است به‌خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد، بنابراین مدل رگرسیون از لحاظ آماری معنی‌دار است و سؤال تحقیق که تأثیر عوامل کالبدی بر عوامل جامعه‌شناختی می‌باشد مثبت ارزیابی می‌گردد.

جدول شماره ۸. مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۵/۲۹	۱	۲۷/۳۰	۴۸/۵۴۵	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۱۹/۷۹	۳۷۴	۰/۵۵		
مجموع	۴۵/۰۸	۳۷۵			

نمودار هیستوگرام رسم شده در مورد مدل رگرسیون فرض نرمال بودن داده‌ها را تأیید کرده بنابراین مدل رگرسیون خطی برآورد شده مورد تأیید می‌باشد.



شکل شماره ۲. نرمال بودن باقیمانده‌ها و معادله رگرسیون جهت بیان اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته

با توجه به آنچه در جدول شماره ۹ نشان داده شده است مقدار بتا در این مدل ۰/۴۸۹ است. بزرگ بودن مقدار بتا نشان‌دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می‌باشد. همچنین معادله رگرسیون با ضریب بتای استاندارد به شکل زیر می‌باشد:

$$(عوامل کالبدی)(۰/۴۸۹) + (عوامل جامعه‌شناختی)(۱/۹۴۳)$$

می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی با ارتقای یک واحد از عوامل کالبدی، (۰/۴۸۹)، واحد انحراف معیار عوامل جامعه‌شناختی ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط نسبتاً ضعیف است.

جدول شماره ۹. ضریب رگرسیون استاندارد شده و نشده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد شده	T	Sig
	B	Std. Error	Beta		
۱	مقدار ثابت	۹/۳۷۲	۱/۹۴۳	۴/۸۲۴	۰/۰۰۰
	عوامل کالبدی	۰/۶۷۴	۰/۰۴۶	۰/۴۸۹	۲۲/۱۴۰

بنابراین از نظر ساکنین مناطق مختلف شهر تهران عوامل کالبدی بر عوامل جامعه‌شناختی در فضاها عمومی با شدت بسیار کمی تأثیرگذار هستند و تقویت عوامل جامعه‌شناختی در فضاهای عمومی شهر تهران تنها از عوامل کالبدی نبوده و سایر عوامل تأثیرات بیشتری دارند این عوامل ممکن است عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، سیاسی و ... باشند.

### نتیجه‌گیری

تغییر و تحولات گسترده در دهه اخیر با اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و اقتصاد آزاد، توسعه سیاسی و اقتصادی و افزایش نقدینگی به همراه ظهور سبک‌های جدید طراحی، معماری و منظر شهری، موجب افزایش فضاهای عمومی متنوعی از سنتی و کلاسیک، تجاری، پاساژها، مگامال‌ها، مراکز تفریحی، سرگرمی و خدماتی در مناطق مختلف شهر تهران گردید. از نظر جامعه‌شناختی و جدایی‌گزینی مکانی سکونت افراد با ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت در مناطق شهری به فضاهای شهری معانی متفاوتی می‌بخشد، این ویژگی‌ها و شرایط در نحوه دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی توسط شهروندان تفاوت‌هایی را موجب می‌شود. به گونه‌ای که در مناطق مختلف شهر تهران این تفاوت‌ها به واسطه وجود ویژگی‌های اجتماعی افراد ساکن در آن‌ها به وضوح مشخص می‌باشد. در این راستا در پژوهش حاضر سعی شده است تا وضعیت فضاهای عمومی شهر تهران را از منظر جامعه‌شناختی و کالبدی بررسی شود. برای این منظور در ابتدا با استفاده از آزمون T-test میزان مطلوبیت هر کدام از عوامل از دیدگاه ساکنین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون بیان گر این است که وضعیت فضاهای عمومی از لحاظ کالبدی از میزان مطلوبیت متوسط و وضعیت جامعه‌شناختی فضاها از میزان مطلوبیت کم برخوردارند. در مرحله بعدی برای بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل کالبدی و عوامل اجتماعی در توسعه و بهبود فضاهای عمومی از روش رگرسیون خطی ساده و ضریب همبستگی بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین عوامل جامعه‌شناختی و عوامل کالبدی رابطه ضعیفی وجود دارد. به این معنی که عوامل جامعه‌شناختی تنها از عوامل کالبدی تأثیرپذیر نبوده است. همچنین با توجه به نتایج رگرسیون مشخص شد عوامل کالبدی بر عوامل جامعه‌شناختی تأثیر به میزان ۰/۴۲۱ را نشان می‌دهد که حاکی از توانایی کم عوامل کالبدی در تبیین واریانس متغیر جامعه‌شناختی می‌باشد. به طور کلی نتایج حاصله از این روش نشان می‌دهد که عوامل کالبدی در مجموع نزدیک به ۴۸ درصد از تغییرات عوامل جامعه‌شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و ۶۲ درصد از عوامل مؤثر در تقویت عوامل جامعه‌شناختی در فضاهای عمومی شهری به متغیرهای خارج از این پژوهش بستگی پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت بهبود زیرساخت‌های کالبدی و توسعه آن‌ها در فضاهای عمومی شهر تهران به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تولید فضاهای عمومی و نیز در دسترسی و استفاده از این فضاها و ارتقاء وضعیت جامعه‌شناختی فضاهای عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد و در کنار عوامل کالبدی سایر عوامل نیز اثرگذار هستند که بایستی مورد توجه و بررسی قرار گیرند. از مقایسه بین نتایج حاصل از پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع و ذکر شده در بخش پیشینه تحقیق می‌توان گفت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با مطالعه کیانی و همکاران (۱۳۹۶) که نتایج پژوهش آن‌ها که هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری بین ابعاد انسانی و کالبدی فضای عمومی در شهر زابل وجود ندارد، به دست آمده است، همسو می‌باشد. اما با نتایج مطالعه گلچین و مفاخری (۱۳۹۶) و مدیری و ادهمی (۱۳۹۴) که رابطه

- معنادار بین شرایط کالبدی و اجتماعی در فضاهای عمومی شهری به دست آمده هم سو نمی باشد.
- ۱- توزیع و خلق عادلانه فضاهای باارزش شهری در مناطق و محلات مرکزی و جنوبی شهر می تواند شرایط دسترسی را برای ساکنین این مناطق که بیشتر بافت فرسوده می باشد فراهم سازد. چراکه این مناطق از نظر توزیع و میزان دسترسی به فضاهای عمومی نسبت به سایر مناطق مورد بررسی در شرایط نامساعد و نابرابری قرار دارند.
  - ۳- بهره گیری از مشارکت افراد بومی محلات در کنترل و مدیریت فضاهای عمومی شهری باهدف افزایش اعتماد اجتماعی و گسترش شبکه روابط اجتماعی می تواند به کاهش نابرابری ها در دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی شهری کمک نماید. این امر در مناطق حوزه جنوبی و شرقی شهر تهران نسبت به سایر مناطق به دلیل مشارکت کمتر ساکنین این مناطق بیشتر مورد توجه می باشد.
  - ۳- مناطق، نواحی و محلات شهر تهران دارای ویژگی های جمعیت شناختی، قومی، زبانی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی منحصربه فردی هستند. خلق فضاهای عمومی متناسب با ویژگی های فوق و فرهنگ عمومی ساکنین محلات می تواند در دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی نقش تعیین کننده ای داشته باشد.
  - ۴- تغییرات در مصالح و متریال مورد استفاده در سیما و منظر، توجه به نما، ظاهر، معماری، طراحی فضاهای عمومی شهری می تواند در استفاده و دسترسی افراد مختلف با گرایش ها و سلیقه های مختلف تأثیرگذار باشد.
  - ۵- توجه به توسعه فضاهای فرهنگی و روشنفکری در مناطق مختلف شهر به عنوان پاتوق و فضای فرهنگی و فکری در گسترش دامنه شبکه روابط اجتماعی می تواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد.

## منابع

- (۱) پرتوی، پروین (۱۳۹۱) فضای عمومی و زنان، سمینار زنان و مسائل شهری، تهران: شهرداری تهران.
- (۲) خستو، مریم و حبیب، فرح (۱۳۹۵) رویکردی تحلیلی به تأثیر شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری؛ مطالعه موردی: شهر قزوین، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، سال ۷، شماره ۲۶، صص. ۳۱-۴۲.
- (۳) دانشپور، سیدعبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، باغ نظر، سال ۴، شماره، ۷، صص. ۱۹-۲۸.
- (۴) رهنما، محمدرحیم و حسینیان، نگار (۱۳۹۴) تأثیر مؤلفه های کالبدی بر احساس امنیت در فضاهای عمومی (محلله آبکوه شهر مشهد)، پژوهشنامه خراسان بزرگ، سال ۶، دوره ۱۸، صص. ۶۱-۷۹.
- (۵) شارع پور، محمود (۱۳۸۹) جامعه شناسی شهری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- (۶) شارع پور، محمود (۱۳۹۵) حق به شهر و فضاهای عمومی شهری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۶۴-۵۰.
- (۷) شفاعت، محمد و حسین پور، محمد (۱۳۹۸) عرصه های فضایی تبلور تعاملات اجتماعی در کالبد شهر ایرانی؛ قبل و بعد از اسلام، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی - اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۸، شماره ۱، صص. ۱۲۹-۱۰۱.
- (۸) عبدالله زاده فرد، علیرضا (۱۳۹۵) ارتقای کیفیت فضاهای عمومی شهری راهبردی در شکل گیری همبستگی اجتماعی (نمونه موردی: محوطه پیرامونی ارگ کریم خان، شهر شیراز)، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال ۹، شماره ۱، صص. ۲۴۲-۲۲۵.
- (۹) کارمونا، میتو؛ متو کارمونا، استیون؛ تیسدل، تتراک (۱۳۹۱) مکان های عمومی - فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه اسماعیل صالحی، مهشید شکوهی، فریبا قرائی، زهرا اهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- (۱۰) کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹) بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، سال ۴، شماره ۶،

صص. ۹۵-۱۰۶.

(۱۱) کیانی، اکبر؛ پاسبان عیسی‌لو، وحید؛ گهرمیر، لیلا (۱۳۹۶) بررسی و تحلیل فضای عمومی شهری با استفاده از مدل استنتاج منطق فازی (مورد شناسی: ناحیه ۱ و ۲ شهر زابل)، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۲۵، صص. ۱۴۶-۱۲۵.

(۱۲) گلچین، مسعود و مفاخری، صباح‌الدین، (۱۳۹۶) خوانایی محیطی و حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهر تهران، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۷، شماره ۲۲، صص. ۴۶-۲۳.

(۱۳) لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

(۱۴) ماجدی، حمید (۱۳۹۰) بازتعریف فضای شهری؛ مطالعه موردی: محور ولیعصر حفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر، دو فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۹، شماره ۲۷، صص. ۲۸۳-۲۶۳.

(۱۵) محمدی، محمود؛ عظیمی، مریم؛ مقدم، حامد؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱) فضاهای عمومی شهری، تحقق تعاملات اجتماعی در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)، نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی، سال ۲، شماره ۴، صص. ۲۸-۱۵.

(۱۶) مدنی پور علی (۱۳۹۰) فضای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، چاپ سوم، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

(۱۷) مدنی پور، علی (۱۳۸۱) تهران ظهور یک کلان‌شهر، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

(۱۸) مردمی، کریم و قمری، حسام (۱۳۹۰) الزامات معماری تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری فضای ایستگاه‌های مترو، مدیریت شهری، دوره ۹، شماره ۲۷، صص. ۴۰-۳۱.

(۱۹) معمار، ثریا (۱۳۹۰) تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای (مطالعه موردی: محلات شهر اصفهان)، مسائل اجتماعی ایران، سال ۲، شماره ۱، صص. ۱۳۷-۱۰۳.

(۲۰) موسوی، یعقوب (۱۳۸۷) بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای تهران، نشریه انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۱۲۳-۹۹.

(۲۱) هاروی، دیوید (۱۳۷۹) عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

(۲۲) یاسوری، مجید (۱۳۸۹) بررسی وضعیت توزیع جغرافیایی سرمایه‌گذاری در استان گیلان، چشم‌انداز جغرافیایی، سال ۶، شماره ۱۴، صص. ۱۵۷-۱۳۹.

(۲۳) یوسفی، علی و ورشوئی، سمیه (۱۳۸۹) نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۴، صص. ۱۲۵-۹۷.

24) Ahmadi, H. & Soroush, M. & Afrasiabi, H. (2009) "Study of Fear of Crime in High Crime Areas in Shiraz", Journal of Applied Sociology, Vol.20, No.34, pp.65-80.

25) Carmona, M. & Heath, T. & Oc, T. & Tiesdell, S. (2008) Public Spaces, urban spaces. Oxford: Architectural Press.

26) Kurniawati, W. (2012) Public Space for Marginal People, Social and Behavioral Sciences, Vol.36, pp. 476-484.

27) Riazi, H. (2013) "City as an Interdisciplinary Phenomenon", Scholarly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, Vol.6, No.1, pp.101-115.

28) Toraby, Sima, Y. (2014) "Urban Entrance Design with the approach of Giving Identity to urban space (Case Study: East Entrance of Zanzan city)", A Quarterly Journal of urban Management, Vol.13, No.36, pp.83-104

- 29) Whyte, W. (1980) Social life of small urban space. Conservation. Project for Public Spaces, US nonprofit organization for creating and sustaining public places.
- 30) ww.pps.org. (Accessed in 10 november 2014).